

بررسی وضعیت شاغلان در بخش غیررسمی (مطالعه موردی، شهرستان مشهد)

دکتر محمدطاهر احمدی شادمهری*

چکیده

برخی از فعالیت های اقتصادی خارج از مدار رسمی اقتصاد و نظارت های دولتی و قوانین و مقررات تنظیم کننده روابط اقتصادی شکل می گیرد که در اقتصاد غیر رسمی جای دارند. این فعالیت ها به دلیل بی نیازی به سرمایه و تخصص و مهارت بالا، هزینه های پایین تولید، آزادی ورود و خروج و نبود قوانین و مقررات مختلف، برای توده عظیم نیروی کار غیر ماهر و بی سواد جامعه از جذابیت بالایی برخوردار است و تا حدود زیادی نقش تعدیل کننده فشارهای وارده به بازار کار را بر عهده دارد. برخی از مهمترین این فعالیتها تحت عنوان بخش غیر رسمی مانند صنایع و مشاغل خانگی، دست فروشی و دوره گردی سهم بالایی از اشتغال و تولید را در اقتصاد غیر رسمی به خود اختصاص می دهند. بررسی وضعیت شاغلان در بخش غیر رسمی و ویژگیهای آنها، علل و عوامل موثر بر آن و بررسی راههای مقابله با این پدیده حاصل یک کار تحقیق میدانی به صورت نمونه گیری طبقه بندی تصادفی و تجزیه و تحلیل توصیفی داده ها در سطح شهر مشهد است که در این مقاله به اختصار آمده است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که به دلایل متعدد از جمله تمرکز این جمعیت در سنین بالا و اندکی نیز در سنین پایین، بی سواد یا کم سواد گسترده و عدم مهارت و تخصص مناسب، امکان حذف این مشاغل و جذب آنها در فعالیتهای بخش رسمی اقتصاد که به نیروی انسانی با سواد ماهر در سن مناسب نیازمند است، وجود ندارد. لذا ساماندهی این گونه مشاغل از ابعاد مختلف می تواند: اولاً، عوارض منفی آنها را محدود سازد و ثانیاً اثرات مثبت آن را گسترش دهد.

واژگان کلیدی: اقتصاد غیر رسمی - بخش نامنظم - بخش جنایی - بخش غیر رسمی - مشاغل غیر رسمی - سازماندهی مشاغل غیر رسمی

طبقه بندی JE: J21, J81, O17, O18

Archive of SID

برخی از فعالیتهای اقتصادی خارج از مدار رسمی اقتصاد و کنترلهای دولتی و قوانین و مقررات تنظیم کننده روابط اقتصادی شکل می گیرد که در اقتصاد غیر رسمی جای دارند. اقتصاد غیر رسمی از جمله موضوعاتی است که در دهه های اخیر به عنوان یکی از مسائل مهم توجه بسیاری از جامعه شناسان، اقتصاددانان، جغرافی دانان، برنامه ریزان، سیاستمداران و مدیران شهری را به خود جلب کرده است. نظریات مختلفی در مورد ماهیت، دلایل و زمینه های پیدایش و ویژگیهای این بخش مطرح شده است. این امر نشان دهنده واقعیت اجتناب ناپذیر اقتصاد غیر رسمی در عرصه اقتصادی و اجتماعی کنونی است. بخش قابل توجهی از اعضای جامعه در این فعالیتهای خارج از مدار رسمی اقتصاد و کنترلهای دولتی و قوانین و مقررات تنظیم کننده روابط اقتصادی می باشد، فعالیت می کنند. این فعالیتهای بی نیازی به سرمایه و تخصص و مهارت بالا، هزینه های پایین تولید، آزادی ورود و خروج و نبود قوانین و مقررات مختلف، برای توده عظیم نیروی کار غیر ماهر و بی سواد جامعه از جذابیت بالایی برخوردار است. برخی از مهمترین این فعالیتهای تحت عنوان بخش غیر رسمی ماهیتاً برای جامعه فعالیتهای مفید و ضروری هستند، لکن بنا به دلایلی در درآمدهای ملی کشور محاسبه نمی شوند. فعالیتهای این بخش از جمله صنایع و مشاغل خانگی، دست فروشی و دوره گردی سهم بالایی از فعالیتهای اقتصادی در جوامع شهری کشورهای مختلف را تشکیل می دهد که در اقتصاد غیر رسمی طبقه بندی می شوند.

با توجه به حجم اشتغال و تولید نسبتاً بالای این بخش و علاوه بر آن با توجه به غالب بودن فعالیتهای کشاورزی در شهرهای خراسان و ناتوانی آن در شرایط موجود جهت جذب نیروی فعال وارد شده به بازار کار، مازاد نیروی کار این بخش که عمدتاً بی سواد و یا کم سواد با تخصص و مهارت بسیار اندک می باشند و حتی شاغلان این بخش، به دلیل کمبود تولید و درآمد و نبود امکانات زیستی مناسب در روستاها و شهرهای کوچک و وجود جاذبه های زیاد در شهرهای بزرگ استان از جمله مشهد، به این مناطق هجوم می آورند. از طرف دیگر به دلیل رکود سرمایه گذاری و تولید در بخش صنعت و عدم مهارت و تخصص لازم این نیروها، این بخش نیز قادر به جذب این نیروها نبوده و به ناگزیر این خیل عظیم جمعیت جوای کار به طرف مشاغل غیر رسمی روی می آورند و روز به روز بر تعداد دلالان، سوداگران، خرده فروشان، قاچاقچیان کالا، فروشندگان دوره گرد و تولیدکنندگان خانگی افزوده می شود.

نکته مهم در ارتباط با فعالیتهای این بخش این است که این مشاغل تحت نظارت و کنترل دولت نیست

و خارج از چارچوب قوانین و مقررات اقتصادی جامعه شکل گرفته اند و می توانند در افق میانگین گذاری و برنامه ریزیهای اقتصادی دولت اختلال ایجاد کنند. لذا ضرورت ایجاد می کند این گونه مشاغل از ابعاد و زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرد آثار و عوارض مثبت و منفی آنها بر جامعه تجزیه و تحلیل شده راهکارهای مناسب جهت تعامل یا تقابل با این پدیده اجتناب ناپذیر اتخاذ شود.

علی رغم گستردگی و نقش این بخش در اشتغال و GDP کشور^۱ تا کنون تحقیقات محدودی در این زمینه صورت گرفته است. تحقیق حاضر بر آن است که ضمن بررسی اجمالی عوامل موثر بر حجم این فعالیتها در اقتصاد، وضعیت شاغلان در این بخش در شهرستان مشهد را از طریق یک تحقیق میدانی مبتنی بر تهیه و تنظیم پرسش نامه و تکمیل آنها از طریق نمونه گیری تصادفی طبقه بندی شده ساده مورد بررسی قرار داده و به ارائه پیشنهادهایی به منظور بهبود بهره وری و سازمان دهی فعالان این بخش پردازد.

تحقیق حاضر از چهار بخش (با بخش حاضر که مقدمه است تشکیل شده است. در بخش دوم ادبیات موضوع مورد بررسی قرار گرفته است. تقسیم بندی اقتصاد غیر رسمی، عوامل موثر بر ایجاد و گسترش آن، بررسی جنبه های مثبت و منفی این فعالیتها، مروری کوتاه بر پیشینه تحقیق و متدولوژی تحقیق در این بخش مورد بررسی قرار گرفته است. سومین بخش به تجزیه و تحلیل آمار و اطلاعات استخراج شده از پرسش نامه ها می پردازد. سرانجام نتایج و پیشنهادها در آخرین بخش به صورت خلاصه ارائه شده است.

۲- ادبیات موضوع

۲-۱- مروری بر مفاهیم نظری اقتصاد غیر رسمی

۲-۱-۱- تعریف و تقسیم بندی

اقتصاد غیر رسمی در مفهومی وسیع به فعالیتهایی اطلاق می گردد که در حسابهای ملی ثبت و ضبط نمی شوند و به نوعی با قوانین اقتصادی مرتبط با درآمد، اشتغال، بهداشت و سایر موضوعات منطبق نیستند^۲. بر اساس تعریفی دیگر، اقتصاد غیر رسمی عبارت است از مجموعه فعالیتهای اقتصادی - چه در بخش تولیدی و چه در بخش خدمات- شهروندانی که کوشش دارند خارج از مدار و چارچوب تعیین شده اقتصاد رسمی به وسیله کسب درآمد بیشتر نیازهای خود را تامین نمایند^۳. در یک تقسیم بندی کلی

۱- منوچهر نوربخش و کامران سپهری، ۱۳۷۶؛ طبیب، ۱۳۷۸؛ خورشیدی، ۱۳۷۶؛ اعظم بیگی، ۱۳۷۶

2. John Cross, 1995 - Willias, 1998.

۳. منوچهر نوربخش و کامران سپهری، ۱۳۷۶

این بخش از اقتصاد به چهار بخش زیر تقسیم بندی می شود^۱.

۱-۱-۱-۲- بخش خانوار

در این بخش کالاها و خدماتی تولید می شود که جنبه خود مصرفی دارد و یا درون خانوارها به طور پایاپای (تهارتری) مبادله می گردد و لذا کمتر به بازار عرضه می گردد. از سوی دیگر کالاهای تولیدی توسط این بخش به علت خود مصرفی بودن و مبادله پایاپای با خانواده ها فاقد قیمت و مقدار بوده و لذا ارزشیابی آنها دشوار است و در نتیجه در حسابهای ملی منظور نمی شود. بهترین مثال برای فعالیت در این بخش، خدمات خانه داری خانمهای خانه دار است که بابت آن بهایی پرداخت نمی شود و در نتیجه تمام یا قسمت عمده آن در حسابهای ملی منظور نمی گردد و باعث تورش به سمت پایین درآمد ملی جوامع می گردد.

۱-۱-۲-۲- بخش غیر رسمی

تولید کنندگان جزء، کسبه، کارکنان خدمات تجاری، حمل و نقل و دیگر خدمات غیر رسمی در این بخش قرار می گیرند. تولیدات و خدمات بخش غیر رسمی بر خلاف تولیدات بخش خانگی یا به صورت کالا و خدمات واسطه به سایر تولید کنندگان ارائه می گردد، یا به صورت کالا و خدمات نهایی به مصرف می رسد^۲. هر چند که در این بخش با آمار مبتنی بر قیمت مواجه هستیم ولی به علت دشواری و پرهزینه بودن جمع آوری اطلاعات آماری، ارقام معاملاتی این بخش در حسابهای ملی منظور نمی شود.

۱-۱-۲-۳- بخش نامنظم

در این بخش مبادلات بازاری برای کالا و خدمات وجود دارد، به طوری که از لحاظ تولید نیز ماهیت قانونی آن محرز است. ولی از لحاظ توزیع فعالیتهای تولیدی و خدماتی صورت گرفته در این بخش از ماهیت غیر قانونی از قبیل: فرار از مالیات، فرار از مقررات کار و ایمنی کارگاه، عدم رعایت اصول بهداشتی و همچنین تقلب در بیمه های اجتماعی و امثال آن برخوردار است. این بخش از گستردگی قابل ملاحظه ای برخوردار است و لحاظ نشدن آن در حسابهای ملی باعث گمراهی سیاست گذاران و برنامه ریزان اقتصادی خواهد شد.

۱-۱-۲-۴- بخش غیر قانونی (جنایی)

فعالیهایی که در بخش غیر قانونی انجام می شود مبادلات بازاری دارند ولی تولید و توزیع کالا و خدمات در این بخش با ماهیت غیر قانونی مواجه است. برای بخش جنایی فعالیتهایی از قبیل: دزدی،

۱. David Simon, 1992 - منوچهر نوربخش و کامران سپهری، ۱۳۷۶.

۲. اعظم بیگی، ۱۳۷۶ - APO Reports, 1997a - John Cross, 1987b - Ray Bromley.

Archive of SID

ارتشا، اخاذی، کلاهبرداری، غضب، قاچاق، تولید و خرید و فروش مواد مخدر، فحشا (در برخی از کشورها) ترور، جنایت و را می توان نام برد.

۲-۱-۲- علل ایجاد بخش غیر رسمی

در شرایط کنونی و حتی در آینده ای نسبتاً طولانی وجود بخش غیر رسمی حتی در ابعاد مذموم آن مانند دست فروشی خیابانی، قاچاق کالا به داخل و خارج مرزها و ... گریز ناپذیر بوده و حتی رو به گسترش است^۱. قطعاً جهت کنترل و به حد اقل رساندن و عین حال افزایش جنبه های مفید آن باید عوامل موثر بر ایجاد و گسترش این گونه فعالیتها را شناسایی کرد، از طرف دیگر شناخت علل و ریشه های بخش غیر رسمی می تواند دولت را در امر سیاست گذاری یاری نماید.

به طور کلی می توان عوامل موثر بر ایجاد بخش غیر رسمی را در اقتصاد ایران به دو بخش کلی تفکیک کرد^۲:

۲-۱-۲-۱- عواملی که ریشه در دخالت بی حد و حصر دولت در اقتصاد دارند که می توان آنها را در

سه قالب زیر جای داد:

الف: تعدد و گوناگونی قوانین و مقررات موثر بر فعالیتهای اقتصادی

شاید در هیچ دوره ای از تاریخ ایران تعداد قوانین، آیین نامه ها، تصویب نامه ها و دستورالعملهایی که بر روند تصمیم گیری اقتصادی شهروندان تاثیر مستقیم و یا غیر مستقیم داشته و دارند به اندازه دوره ۲۵ ساله گذشته نبوده است^۳. قوانین و مقررات متعدد مربوط به تعیین حدود فعالیت های بخش خصوصی، قوانین مالیاتی، قوانین کار و امور اجتماعی، قوانین مربوط به قیمت گذاری، تخصیص ارز و اعتبارات تجارت خارجی، توزیع دولتی خوار و بار و کالاهای مصرفی و چندگانگی نرخهای کالا و ... از جمله قوانینی بوده که در ارتباط مستقیم با فعالیت اقتصادی جامعه قرار دارند و به طور محسوسی آزادی عمل عاملان اقتصادی را محدود کرده و حضور آنها را در بخش رسمی اقتصاد مشکل و پرخطر می سازد و یا این که زمینه پیدایش فعالیت های جدیدی مانند سوداگری ارز، کالا برگ و بازار سیاه کالاهای مختلف را ایجاد می کند.

ب: تعدد و میزان قدرت ارگان های دخالت کننده در اقتصاد

در پی تغییر و تحولات ساختاری ناشی از انقلاب؛ تعداد زیادی از موسسات و ارگان های جدید و

۱. طبیب، ۱۳۷۸؛ خورشیدی، ۱۳۷۶؛ اعظم بیگی، ۱۳۷۶

۲. خورشیدی، ۱۳۷۶

عمدتاً بر پایه اهداف اقتصادی اجتماعی و فرهنگی نظام جدید سیاسی به وجود آمدند که هر کدام از آنها ضمن حل مقطعی بعضی از مشکلات، در بلند مدت باعث ایجاد ناکارآییهای عدیده ای در نظام اقتصادی کشور و رشد بخش غیر رسمی شدند. اصولاً تجربیات و پژوهشهای اقتصاددانان این مساله را ثابت می کند که هر چه دخالت دولت در اقتصاد بیشتر شود و هر چه تعداد قوانین و مقررات و ارگانهای ناظر که تصمیم گیری اقتصادی عاملان را محدود می کند بیشتر باشند، از طرفی اعتبار سیاست های دولت نزد عاملان اقتصادی مخدوش شده و آنها را به پرهیز از رعایت قوانین و مقررات و عدم پای بندی به توصیه های اقتصادی دولت می کشاند و از طرف دیگر باعث ترغیب و تحریک عاملان اقتصادی و شهروندان به روی آوردن به بازارهای سیاه و معاملات غیر قانونی می شود^۱.

پ: راهبردهای اقتصادی نامناسب

این عامل که اساساً به کشور های صادر کننده نفت منحصر می شود گرایش دولت به حمایت از تولید انبوه محصولات صنعتی و کشاورزی است که عموماً متکی بر فنآوری های سرمایه بر و منابع ارزی حاصل از صدور نفت بوده است و رشد ناچیز فرصتهای شغلی در بخش صنعت برای جذب نیروی کار آزاد شده از بخش کشاورزی را در پی داشته است. به عبارت دیگر می توان گفت با وجود افزایش شدید نرخ بیکاری در شهر ها به دلایلی از جمله رشد جمعیت، مهاجرت و آزاد سازی نیروی شاغل غیر ماهر در کشاورزی؛ در ایران برنامه های اقتصادی دولت بر مبنای گسترش فعالیتهای صنعتی، خدماتی و کشاورزی سرمایه بر با فنآوری بالا و نیاز به نیروی انسانی متخصص بوده است که این خود نقش بسیار مهمی را در ایجاد دو گسترش فعالیتهای بخش غیر رسمی بر عهده داشته است^۲.

۲-۱-۲- عوامل ناشی از تغییرات جمعیتی و توسعه اقتصادی

سایر عوامل آنهایی هستند که ریشه در تغییرات جمعیتی و توسعه اقتصادی دارند و می توان آنها را به صورت زیر تقسیم بندی نمود.

الف: رشد بالای جمعیت

مطالعه تطبیقی میزان رشد جمعیت که یکی از عوامل اصلی گسترش بخش غیر رسمی در کشور های در حال توسعه است، نشان می دهد که در چند دهه اخیر، به ویژه در دهه ۱۹۸۰، این عامل در ایران به شدت بیشتری در جهت توسعه این بخش عمل کرده است. بررسی روند رشد جمعیت نشان می دهد که

در دوره ی زمانی ۵۵-۱۳۶۵ نرخ رشد جمعیت به شدت افزایش یافته و از ۲۷/۷ به ۳۹/۹ رسیده و به تبع آن جمعیت فعال نیز از رشد ۳/۵ درصدی برخوردار می شود (از ۹۷۹۶ هزار نفر در سال ۵۵ به ۱۲۲۸۲ هزار نفر در سال ۶۵ رسید) که این خود نرخ بیکاری را افزایش می دهد^۱.

ب : رشد شهر نشینی

ایران از نظر رشد جمعیت شهر نشین که طبق مطالعات نظری^۲ این یک عاملی مهم در گسترش بخش غیر رسمی است، همچون رشد جمعیت از بیشتر کشورهای در حال توسعه جلو زده است. برای مثال در سال ۱۹۸۹ از حدود ۱۰۰ کشور در حال توسعه تنها حدود ۲۰ کشور جمعیت شهر نشینی بیش از رقم ۵۶ درصد جمعیت شهر نشین در ایران داشتند. افزایش شدید جمعیت و جوانتر شدن آن، نیروی کار جوان و حتی میان سالان رها شده از بخش کشاورزی را برای پیدا کردن شغل و به دست آوردن درآمد به سود شهرها گسیل کرده است و روز به روز بر وسعت و تعداد شهرها افزوده شده و اقتصاد ایران نیز در شهرها قدرت جذب این سیل عظیم جمعیت را نداشته است؛ در نتیجه این جمعیت به سوی بخش خدمات و فعالیت های غیر رسمی و بعضاً کاذب روی آوردند.

پ : توسعه بخش کشاورزی

این عامل که در توسعه اقتصادی امری اجتناب ناپذیر تلقی می شود حاصل مکانیزه شدن بخش کشاورزی است که این امر به مازاد عرضه نیروی کار در این بخش منجر شده است. رشد و توسعه اقتصادی هر چند اندک در ایران به خصوص در چهار دهه اخیر قرن بیستم شرایط تولید را در بخش کشاورزی بهتر کرده و با مکانیزه کردن و پیشرفت فن آوری در این بخش نه تنها بخش کشاورزی جذب کننده جمعیت فعال نیروی کار نبوده بلکه بخشی از نیروی کار ماهر خود را آزاد کرده است. از طرف دیگر به دلیل عدم تناسب برنامه های اقتصادی دولت به خصوص در بخش صنعت با شرایط اقتصادی جامعه، صنعت نیز قدرت خلق فرصت های شغلی جدید را در حدی که بتواند عرضه کار را جذب کند نداشته و در نتیجه مازاد عرضه نیروی کار راهی به جز رجوع به فعالیت های غیر رسمی جهت تامین معاش خود ندیده است. به عبارتی می توان گفت در فرآیند توسعه ی اقتصادی کشور، چون بخش صنعت نمی تواند کل نیروی کار روز افزون را جذب کند کاهش اندازه اشتغال بخش کشاورزی در واقع به معنای گسترش فعالیت های اقتصادی غیر رسمی خواهد بود^۳.

۱. مجله بورس، شماره ۱۴، ۱۳۷۷.

۲. سپهری، ۱۳۷۲.

۳. خورشیدی، ۱۳۷۶ - John Cross, 1997b.

کاملاً واضح است که مهاجرت به خودی خود نمی تواند دلیلی برای وجود فعالیتهای غیر رسمی و غیر قانونی در یک جامعه باشد. مهاجرت در یک جامعه صنعتی می تواند ناشی از نیاز واحد های تولیدی به نیروی کاری باشد که در بخش کشاورزی به صورت مازاد وجود دارد و این مازاد ناشی از رشد و توسعه این بخش بوده است^۱. اما در مورد ایران وضعیت به گونه ای دیگر است. نابرابریهای شدید شهر و روستا عامل اصلی در مهاجرت نیروی کار بوده است. نیروی کاری که به دلیل وجود ضعفهای اساسی و ساختاری در بخش کشاورزی، نه به دلیل رشد و توسعه این بخش، کار و حرفه خود را ترک کرده به سمت شهرهایی هجوم آورده اند که ساختار صنعتی آن جامعه شهری توانایی لازم را در جذب نیروی کار رها شده از روستا ندارد؛ بدین ترتیب نه عرضه و نه تقاضای نیروی کار هیچ کدام ماهیت واقعی اقتصادی سالم نداشته و خیل مهاجران عمدتاً روستائی فاقد تخصص و مهارت جذب بخش غیر رسمی اقتصاد می شوند^۲. در این بین بخشهای واسطه گری، دلالی و دست فروشی بیشترین سهم را در جذب این مهاجران فاقد مهارت بر عهده دارند. بخشی از این مهاجران پس از گذشت سالهای متمادی جذب اقتصاد شهر شده خود را در متن فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی شهر جای داده آداب و رسوم آنها رنگ و لعاب زندگی شهری به خود می گیرد. اما بخش عمده ای از آنها با همان آداب و رسوم سنتی خود و فقدان قابلیت های لازم فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قدرت تطبیق با شرایط جامعه شهری را نداشته، سالیان دراز در حاشیه شهر باقی می مانند و دوگانگیهای مختلف را گسترش می دهند. بدین ترتیب نداشتن تخصص و مهارت، بی سوادی یا کم سوادی، عدم تمایل و قدرت بخش صنعت در جذب این افراد از دلایل عمده ورود مهاجران به فعالیتهای غیر رسمی محسوب می شود.

۲ - ۳ - پیشینه تحقیق

در چند سال اخیر علاقه و توجه زیادی به کشف علل و آثار و اندازه گیری بخش غیر رسمی اقتصاد به وجود آمده است. تحقیق پر هیاهوی (هارت، ۱۹۷۳) در زمینه اشتغال شهری در غنا و تقسیم بندی اقتصاد در قالب دو بخش غیر رسمی یا سنتی و رسمی یا مدرن و تاکید بر اهمیت خود اشتغالی و ایجاد موسسات کوچک اقتصادی از طریق بخش غیر رسمی، توجه زیادی را به خود جلب کرد. ویکر (Weeks)

توجه خود را به موسسه معطوف داشته و نوع و چگونگی ارتباط بین موسسه و دولت را به عنوان عامل اصلی تشخیص بخش رسمی از غیر رسمی قلمداد می کند. (یپ، ۱۹۷۶) جهت بررسی آثار عوامل جاذبه و دافعه و مهاجرت از روستا به شهر یک مدل اقتصادی سنجی را معرفی می کند. بر اساس نتایج یپ (Yap) میزان تحصیلات و درآمد در بخش رسمی بیش از بخش غیر رسمی است. همچنین او دریافت که بیشتر شاغلان را مهاجران تشکیل می دهند و بخش عظیمی از صنایع بخش غیر رسمی در خانه و کنار خانه قرار دارد. جان کروس (John Cross, ۱۹۹۵) موضوع فروشندگان خیابانی را در شهر مکزیکوسیتی در مکزیک مورد بررسی قرار داده به این نتیجه میرسد که با توجه به ویژگیهای شاغلان در این بخش امکان حذف فیزیکی این مشاغل وجود ندارد. لذا این مشاغل باید به شکل منظمی سازمان دهی شوند.

در ایران نیز تحقیقاتی چند صورت گرفته است. به عنوان مثال عرب مازار یزدی (۱۳۸۰) در پژوهش خود علل اصلی تغییرات پدیده بخش غیر رسمی را ناشی از تغییر درآمد سرانه و شاخص باز بودن اقتصاد می داند. علی اعظم بیگی (۱۳۷۶) در مقاله ای با عنوان «جایگاه بخش غیر رسمی در ایران» به بررسی علل و عوامل موثر در ایجاد و گسترش این بخش در اقتصاد ایران می پردازد. بر طبق نتایج این تحقیق مهاجرت از روستا به شهر، رشد شهرنشینی و دخالت بی حد و حصر دولت در اقتصاد از جمله مهمترین این عوامل می باشند. علاوه بر اینها داود محمدی (۱۳۷۶)، خجسته عارف نیا (۱۳۷۴) و بهرام امیر احمدی (۱۳۷۲) از ابعاد و زوایای مختلف فعالیتهای بخش غیر رسمی اقتصاد را مورد بررسی قرار می دهند. مزیت تحقیق حاضر بر دیگر پژوهشها در این است که با یک تحقیق میدانی در مطالعه ای موردی اقدام به شناسایی ویژگیهای فعالان این بخش نموده راههای سازمان دهی این بخش را مورد بررسی قرار می دهد.

۲-۴- روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله توصیفی مبتنی بر تجزیه و تحلیل جدولی (Tabular Analysis) آمارها و اطلاعات جمع آوری شده از منابع ثانوی و از طریق تنظیم پرسش نامه هاست. آمارهای ثانویه از سازمان مدیریت و برنامه ریزی، مرکز آمار ایران، شهرداری مشهد و اداره کل امور اقتصادی خراسان جمع آوری گردیده اند. جامعه آماری تحقیق، فعالان در مشاغل مختلف خانگی در حاشیه شهر مشهد، دلالان و خرده فروشان دوره گرد اصطلاحاً بساطیهای پراکنده در سطح شهر بوده اند. از آن جا که آمار مربوط به این فعالیتهای در سطح شهر مشهد به صورت مکتوب و رسمی در دسترس نیست، تعیین حجم نمونه از

طریق فرمولهای رایج غیر ممکن است. اما با توجه به نتایج تحقیقات راسکو (Rascoe) (۱۹۷۵) حجم نمونه‌های بیشتر از ۳۰ و کمتر از ۵۰۰ برای اکثر پژوهشها مناسب می‌باشند. بر این مبنا کرجسی و مورگان^۲ (Kerjcie and Morgan) مدل تصمیم‌گیری خوبی را برای تعیین حجم نمونه ارائه نموده‌اند که بر اساس این مدل برای جامعه آماری در حدود ۷۵۰۰۰ نفر یک نمونه آماری ۳۸۲ تایی مناسب می‌باشد. لذا در این تحقیق با توجه به اینکه جامعه آماری مورد مطالعه از گروه‌های ناسازگاری که در بافت اصلی پژوهش بایکدیگر مرتبط و مناسب هستند، تشکیل شده است، لذا کل جامعه آماری به طبقات مختلف تقسیم‌بندی شده و سپس نمونه‌گیری تصادفی در داخل هر طبقه انجام شده است. در مجموع یک نمونه ۳۸۵ تایی انتخاب شده و شمار اعضای هر گروه نمونه بصورت غیر متناسب با حجم آن در کل جامعه آماری^۳ تعیین شده است زیرا حجم کل جامعه آماری و سهم هر گروه در آن مشخص نبوده است. سپس ابتدا به صورت مطالعات اولیه مناطق تمرکز این فعالیت‌ها شناسایی شده و پس از تهیه و تنظیم پرسشنامه، به این مناطق مراجعه کرده با افراد شاغل در این فعالیت‌ها مصاحبه شده و اطلاعات لازم جمع‌آوری گردیده است. مراحل تحقیق مشتمل بر مطالعات کتابخانه‌ای، جمع‌آوری آمار و اطلاعات از منابع اولیه و ثانویه و تجزیه و تحلیل این آمار می‌باشد. دوره زمانی تحقیق سال ۱۳۸۱ می‌باشد.

۳. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از نمونه‌گیری مشاغل بخش غیر رسمی در سطح شهر

مشهد

بر طبق مطالعات^۴ و شواهد موجود می‌توان گفت مشاغل بخش غیر رسمی به خصوص در بعد دست‌فروشی و کارخانگی بیشتر در شهرهای بزرگ متمرکز شده و در شهرهای کوچک و کم جمعیت از آنها خبری نیست یا این که در حد بسیاری پایینی می‌باشند. بر حسب آمار و اطلاعات به دست آمده از ستاد رفع سد معبر برآورد می‌شود در حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر به صورتهای مختلف در سطح شهر مشهد به فروشنده‌گی و دوره‌گردی می‌پردازند و تشکیل ۱۰ هزار پرونده تخلف و جمع‌آوری حدود ۵۰۰۰۰ بساطی در سال ۷۸ و همچنین شناسایی ۱۶۰۰ نفر دوره‌گرد جدید فقط در ۱۶ روز اول خرداد ۷۹ این آمار را تایید می‌کند. وضعیت مهاجرت در طی ۱۰ سال گذشته (۶۵-۷۵) نیز نشان می‌دهد که در حدود ۳۴۳۰۰۰ مهاجر وارد مشهد شده‌اند. به منظور بررسی تنوع و ویژگیهای این گونه مشاغل اقدام به تنظیم پرسش‌نامه و

۱. سکاران، ۱۳۸۰، ص ۳۳۴.

۲. سکاران، ۱۳۸۰، ص ۳۳۳.

۳. سکاران، ۱۳۸۰.

۴. سپهری، ۱۳۷۲؛ ۱۹۹۸- C. Williams, 1995- Ricardo. A. Layos, 1987a- Ray Bromley

تکمیل آن از طریق مصاحبه حضوری با نمونه ای از این مشاغل در سطح شهر مشهد گردیده. **Archiving SID** (با یک بررسی اولیه مراکز تجمع و تمرکز در میادین و خیابانهای اصلی و مبادی ورودی و خروجی و حومه شهر شناسایی شد و نهایتاً تعداد ۳۸۵ نمونه مورد مصاحبه قرار گرفتند.

جدول (۱) فراوانی افراد در مشاغل مختلف و متوسط ساعات کار در هر گروه شغلی و متوسط درآمد

ردیف	نوع اشتغال	فراوانی	ساعت کار متوسط	متوسط درآمد (ریال در روز)	زن
۱	فروشنده‌گی (لوازم خانگی، سیگار، میوه ...)	۱۸۷	۹	۱۶۳۰۰	۱۸
۲	هنری (گل سازی، مروارید بافی، مکرومه بافی، نقاشی ...)	۳۲	۶	۲۲۰۰۰	۳۰
۳	خیاطی (زیگزاگ دوز، تولید پوشاک، برش کار و ...)	۲۳	۶	۱۸۰۰۰	۲۰
۴	کار آموز (خیاطی، موسیقی، ...)	۵	۷	۳۷۴۰۰	۳
۵	تدریس خصوصی	۲	۶	۲۱۵۰۰	۱
۶	چرخ کار	۵	۱۰	۱۶۴۰۰	۳
۷	بافندگی (قالی، پوشاک و ...)	۸	۳	۱۷۳۰۰	۸
۸	فال گیری	۳	۷	۱۱۷۰۰	۱
۹	کارگر ساختمان	۵	۸	۱۶۲۰۰	-
۱۰	خدمتکار (منزل، نظافتچی؛ ...)	۶	۶	۱۵۲۰۰	۶
۱۱	بنا (بنا، گچ کار، تزیینات و ...)	۸	۸	۳۲۴۰۰	-
۱۲	تزیینات	۲	-	۷۵۰۰	۲
۱۳	بسته بندی و پاک کردن (حبوبات و زعفران)	۶	۷	۵۰۰۰	۵
۱۴	باسکولی	۳	۱۱	۴۵۰۰	-
۱۵	تعمیرات (کیف و کفش و ساعت و ...)	۲۳	۱۰	۱۰۰۰۰	۱
۱۶	تولیدی (مواد غذایی، عروسک و لباس و ...)	۵	۶	۱۹۵۰۰	۴
۱۷	مسافر کش	۱۰	۱۰	۳۳۵۰۰	-
۱۸	وانت بار (میوه فروش و بزاز و حمل بار)	۶	۱۳	۲۷۲۰۰	-
۱۹	آرایش گری	۶	۶	۶۰۳۰۰	۶
۲۰	دلال ارز	۶	۸	۳۳۷۰۰	-
۲۱	دلال کارگر	۶	۹	۱۵۸۰۰	-
۲۲	مشاغلی که از هر کدام یک نفر مورد مصاحبه قرار گرفته اند	۹	-	-	۲

پس از تکمیل پرسش نامه ها، کار آماری لازم با استفاده از نرم افزار FoxPro انجام شده که نتایج به دست آمده در جدول اولی تنظیم شده است.

در جدول شماره ۱ ترکیب افراد از حیث نوع فعالیت آورده شده است. در این جدول بیش از ۹۰ نوع فعالیت در ۲۲ گروه تقریباً همگن تقسیم بندی شده اند. در این بین سهم فروشندگان خیابانی در حدود ۵۱٪ این مشاغل را تشکیل می دهد. در واقع این نوع شغل از راحت ترین مشاغل است و به حداقل سرمایه و تخصص نیاز دارد. به گونه ای که حتی کودکان بی سواد نیز می توانند از عهده آن برآیند. کارهای هنری، خیاطی و کارآموز آرایش گری و بافندگی در حدود ۱۸٪ مشاغل را تشکیل می دهند. بخش عمده آنان یعنی در حدود ۹۰٪ را زنان تشکیل می دهند. از آن جا که این گونه مشاغل به دلیل ماهیتشان احتیاج به تخصص خاصی دارند که زمینه آن نیز داشتن سواد است، از افراد کاملاً بی سواد در این حرفه خبری نیست و تقریباً همه آن را، یعنی در حدود ۹۶٪، افراد با سواد تشکیل می دهند. این نوع فعالیتها در مقایسه با فروشندگی دوره گرد و دیگر مشاغل احتیاج به مکانی خاص و سرمایه ای نسبتاً قابل توجه و مهارتی خوب دارد. اما از نظر زمانی در هر موقع از شبانه روز قابل اجرا می باشند. شاید به همین دلیل باشد که بیشتر زنان خانه دار جذب این حرفه می شوند. مضافاً این که شرایط اجتماعی، فرهنگی و مذهبی کار در بیرون از منزل به صورت غیر متشکل و نامنظم و صرفاً به صورت دوره گردی را برای زنان ناپسند می دارد.

جدول شماره (۳) نیز نشان می دهد که در حدود ۸۴٪ زنان در مشاغل دارای جا و مکان ثابت و مشخصی به خصوص در منازل خودشان به تولید و ارائه خدمات مشغول هستند و از پرداختن به فعالیتهایی که مستلزم حضور در سطح شهر است؛ هر چند دارای درآمد بالایی باشد پرهیز می کنند. البته لازم به یادآوری است که مشاغل بانوان از حیث درآمد نیز مناسب است و در حدی بالاتر از میانگین درآمدها قرار دارد، یعنی در حدود ۲۵۰۰۰ ریال در هر روز. در بین مشاغل زنان آرایشگری بیشترین درآمد را دارد و بافندگی دارای کمترین درآمد است و کارآموز بعد از آرایش گر قرار دارد. این نشان می دهد که هر قدر مهارت و تخصص آنها بیشتر باشد، می توانند به سطح بالاتری از درآمد دست یابند.

بخش اعظم مشاغل گروههای ۲۲ گانه را مردان که در حدود ۷۰٪ سهم دارند تشکیل می دهند. مشاغل سخت و طاقت فرسا با ساعات طولانی کار و حرکت مستمر و دائم در سطح شهر مشهود از قبیل فروشندگی، کارگر ساختمانی، تعمیرات، مسافرکشی، حمل بار و دلالی ارز و کالا برنگ، که جهت فرار از دست ماموران شهرداری مرتباً در حرکتند و در عین حالی که بعضی از اینها مانند فروشندگی میوه و

تعمیرات، سرمایه نسبتاً زیادی را لازم دارد، ضبط کالاها و لوازم از طرف امور شهرداری هزینه بالایی را به آنها تحمیل کرده، درآمد خالص اندکی را برای آنها ایجاد می کند. اما در عین حال بعضی از این مشاغل که به دلیل نداشتن ابزار و لوازم دست و پاگیر از انعطاف بیشتری برخوردارند و نیز به دلیل ماهیت حرفه‌ی آنها، تخصص و مهارت زیادی در آنها لازم است، درآمد بالایی ایجاد می کنند، مانند دلالان ارز و کالابرگ، که کلیه آنها از سطح سواد خوبی برخوردارند. در حالی که این وضعیت در دیگر مشاغل مردان بر عکس است. به طوری که بی سواد و کم سواد در فروشندگی که قسمت اعظم آن مختص مردان است در حدود ۹۰٪ می باشد و کلاً ۷۱٪ بی سوادان در این شغل جای گرفته اند. در بین مشاغل مردان، دلالی ارز و مسافرکشی و بنایی و حمل بار با و انت درآمدی بالاتر از میانگین عاید می کنند. در حالی که دیگر مشاغل درآمدی زیر میانگین دارند. حداقل درآمد نیز در شغل توزین با باسکول به دست می آید.

جدول (۲) فراوانی افراد از نظر سطح سواد در مشاغل مختلف

شغل - مقاطع تحصیلی	فراوانی	خواندن و نوشتن سواد	زبردیلم	دیپلم و فوق دیپلم	لیسانس
فروشنده	۶۱	۲۱	۹۴	۱۰	۱
هنرمند	-	-	۱۰	۲۱	۱
خیاط	-	۲	۱۱	۱۰	-
کارآموز	-	-	۱	۴	-
تدریس خصوصی	-	-	-	-	۲
چرخکار	-	-	۳	۲	-
بافندگی	۲	۱	۱	۴	-
فال گیر	۲	-	۱	-	-
کارگر ساختمان	۱	-	۲	۲	-
خدمتکار	۳	-	۳	-	-
بنا	-	۱	۷	-	-
تزیینات	-	-	۱	۱	-
بسته بندی و پاک کردن	۲	-	۱	۳	-
باسکولی	۲	۲	۱۲	۱	-
تعمیرات	۸	-	۱	۱	-
تولیدی	۳	-	۴	۶	-
مسافرکش	-	۲	۴	-	-
وانت بار	-	-	۱	۵	-
آرایش گر	-	-	۲	۳	۱
دلال ارز	-	-	۶	-	-
دلال کالا	-	-	-	-	-

جدول شماره (۵) ترکیب افراد مورد مصاحبه را از نظر سطح سواد نشان می‌دهد. بر طبق اطلاعات مندرج در جدول می‌توان گفت حدود ۲۴٪ افراد کاملاً بی‌سوادند، در حدود ۵۵٪ سواد پایینیتر از دیپلم دارند که در گروه کم سوادان جا می‌گیرند. (اکثریت غالب آنها را مردان تشکیل می‌دهند) در حالی که فقط ۲۱٪ افراد دارای سواد قابل قبولند. بررسی وضعیت سواد که خود نشان‌دهنده سطح تخصص و مهارت شاغلان در این بخش است، نشان می‌دهد که این گونه مشاغل نه تنها در کوتاه مدت بلکه در میان مدت نیز قابل حذف و جذب در بخش رسمی اقتصاد که تخصص و مهارت و سواد بالا از ضروریات آن می‌باشد نیست و کوشش در این زمینه تنها به صرف هزینه‌های هنگفت و تنشهای اجتماعی و فشار بیشتر بر بیکاری منجر می‌شود. سایر مشاغل که ذکر نشده‌اند در گروه زیر دیپلم قرار دارند.

اصولاً یکی از دلایل هجوم افرادی بی‌سواد و غیر ماهر به بخش غیر رسمی، عدم امکان جذب این افراد در این بخش رسمی و مدرن است. بررسی وضعیت سنی افراد شاغل نیز موید این نتیجه است. در جدول (۴) ترکیب افراد از لحاظ سنی و وضع مهاجرت آمده است. اطلاعات جدول نشان می‌دهد که حدود ۶۷٪ افراد شاغل در بخش غیر رسمی بالاتر از ۳۰ سال سن دارند که امکان کسب سواد، تخصص و به دنبال آن به دست آوردن شغل در بخش رسمی اقتصاد برای آنها بسیار مشکل است. به خصوص این که این افراد به طور متوسط حدود ۷ سال است که در این شغل مشغول به کارند و این نشانگر ناتوانی این افراد در تطبیق با شرایط رشد و توسعه اقتصادی و جذب در بخش رسمی است.

از کل افراد شاغل مورد مصاحبه واقع شده حدود ۵۸٪ مهاجرانی بوده‌اند که از شهرها، روستاها و آبادیهای استان و حتی از استانهای دیگر کشور به مشهد آمده و در این بخش جذب شده‌اند. در واقع جمعیت فعال و آماده به کاری که در روستاها و شهرهای کوچک قادر به جذب در بخش رسمی نیستند، یا در همان مناطق جذب فعالیتهای غیر رسمی متنوع از قبیل دست فروشی و دوره گردی، تولیدات خانگی، قاچاق کالاهای با مصرف قانونی، قاچاق مواد مخدر و... می‌شوند یا به شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند و در این شهرها در فعالیتهای نامنظم و دور از چشم دولت مشغول به کار می‌شوند. از این دید می‌توان گفت تا زمانی که انگیزه‌های مهاجر فرستی در مناطق مختلف استان از بین نرود، منبع مهمی برای تغذیه اشتغال در بخش غیر رسمی وجود دارد. به ویژه این که جاذبه‌های متعدد مناطق مهاجر پذیر روز به روز بر شدت آن می‌افزاید. به عنوان مثال از اطلاعات به دست آمده در مراجعه و مصاحبه حضوری با مسؤولان شهرستان گناباد مشخص شد که این شهر در دهه گذشته رشد منفی جمعیت داشته است، به عبارت دیگر این شهرستان به دلایلی از جمله ناتوانی بخش کشاورزی در ایجاد اشتغال جدید، عدم سرمایه گذاری در

بخش صنعت و خدمات هر ساله در صد بیشتری از مابالتفاوت نرخ زاد و ولد و مرگ و میر می‌آید. بیکار می‌باشند، به شهرهای مختلف که امکان جذب دارند می‌فرستند. از قبیل این شهرستان در استان خراسان زیاد است. در رابطه با مهاجرت باید این نکته را در نظر داشت که افراد زیر ۳۰ سال هم اکثریت آنها فرزندان مهاجران سالهای قبل هستند که خود نیز مهاجر محسوب می‌شوند. هر چند که چون محل تولدشان مشهد بوده است بومی در نظر گرفته شده‌اند.

در جدول شماره (۳) مکان استقرار و فعالیت نمونه‌های مورد مصاحبه مشخص شده است. به طور کلی ۷۲٪ از فعالان این بخش در مکانهای مختلف سطح شهر پخش شده‌اند: میادین، خیابانها و پارکها که در این بین میادین اصلی شهر با تمرکز ۳۱٪ بیشترین سهم را دارد. قسمت عمده مشاغل در این مکان فروشندگان خیابانی هستند. در حدود ۲۸٪ از فعالان دارای مکان ثابت می‌باشند مانند منازل شخصی که قسمت عمده این فعالان را زنان تشکیل می‌دهند، در واقع منازل هم محل کار است و هم محل استراحت که این باعث می‌شود هزینه تولید کالاهای آنها کاهش پیدا کند. هر چند که مشاغل موجود در خیابانها نیز بدون هزینه اجاره و زمین و ساختمان است، برخی از این مشاغل مانند میوه فروشان دارای وانت بار، فروشندگان مستقر در بازارهای روز یا پارکها معمولاً به صورت روزانه مبلغی را به شهرداری می‌پردازند، در غیر این صورت وسایل و ابزار آنها همراه با کالاهایشان از طرف ماموران شهرداری ضبط می‌شود.

جدول (۳) فراوانی افراد در مشاغل مختلف و متوسط ساعات کار در هر گروه شغلی و متوسط درآمد

ردیف	مراکز کار	فراوانی	زن
۱	منازل	۹۰	۸۶
۲	میادین (شهدا، حرم، آب، برق، آزادی، تقی آباد و پنجره و ...)	۱۱۵	۱۰
۳	خیابانها (آزادشهر، قاسم آباد، امام خمینی، دانشگاه، شهرک نجفی و ...)	۳۵	-
۴	بولوارها (طبرسی، عبدالمطلب، ۱۰۰ متری، پیروزی، امام خمینی)	۵۴	۳
۵	به صورت سیار در سطح شهر	۲۰	۳
۶	پارک ملت و پارک وکیل آباد	۱۷	-
۷	بازارهای روز	۸	۲
۸	سه راهها و چهار راهها (زندان، کوکا، میدان بار، گاز و ...)	۱۲	-
۹	کارگاه شخصی	۱۰	۴
۱۰	یاساها	۴	۳

متوسط درآمد مشاغل مورد مصاحبه واقع شده در حدود ۲۲/۰۰۰ ریال در هر روز است که با توجه به سطح سواد، تخصص و مهارت، سرمایه و ابزار به کار گرفته شده مبلغ قابل توجهی است (جدول شماره ۱). خصوصاً این که افراد در اظهار درآمدشان به صورت واقعی اکره دارند. در این بین مشاغلی که به تخصصی خاص نیاز دارند یا افراد با سواد در آن متمرکزند، مانند کارآموز خیاطی و موسیقی، تدریس خصوصی و بنایی و دلالتی ارز، مسافرخشی و آرایشگری از درآمد بالاتری برخوردارند (بالاترین مورد آرایشگری با ۶۰/۰۰۰ ریال در روز است). در حالیکه مشاغلی که به مهارت و سواد کمی احتیاج دارند درآمدی زیر میانگین دارند (کمترین مقدار باسکولی با ۴۵۰۰ ریال در هر روز). هر چند که این درآمد و شرایط کاری آن نسبت به مشاغل رسمی شهری آن چنان جذابتی برخوردار نیست، باید این نکته را در نظر داشت که افراد شاغل در این بخش وضعیت خود را با سطح درآمد و زندگی در روستا و شهرهای کوچک و دیگر افرادی که در گروه فرهنگی، اجتماعی و طبقاتی آنها قرار دارند، مقایسه می کنند که از این جهت اینها وضعیت مناسبی دارند.

در رابطه با این سؤال که آیا آنها خودشان را بیکار قلمداد می کنند یا نه، حدود ۴۲٪ به این سوال پاسخ مثبت دادند و دلایل آنها عمدتاً عبارت بوده است از: منظم نبودن ساعات و روزها و ماههای کاری و درآمد آن، کم بودن درآمد، بی ثباتی و عدم اطمینان به تداوم کار و شأن پایین اجتماعی و اقتصادی این گونه کارها. به همین دلیل اینها در مجموع افراد جویای کار تلقی و جزو بیکاران محسوب می شوند. به نظر می رسد اگر بتوان نظمی در کار و درآمد آنها ایجاد کرد و شغل آنها را دائمی کرد این تفکر از بین برود و اینها نیز مانند بقیه خود را بیکار ندانند.

در پاسخ به سؤال فوق ۵۸٪ نیز فعالیت خودشان را کار قلمداد کرده اند و خودشان را از جرگه بیکاران خارج می دانند. دلیل اصلی این امر را چنین بیان می کنند: ما در هر روز چند ساعت مشغول به یک کار اقتصادی هستیم و درآمدی کسب می کنیم، مانند دیگر مشاغل که می توانیم با آن خرج خودمان را تامین کنیم. در نظر این عده وجود درآمد نشانه این است که دارای کار و حرفه اند، حتی اگر این درآمد در ماه یا فصل به خصوصی از سال کسب شود، مانند: پاک کردن و بسته بندی زعفران که فقط دو ماه در سال وجود دارد. در واقع می توان گفت مفهوم کار در نزد این اشخاص هر عمل مجازی است که به کسب درآمد منجر شود. حال چه در کارگاه و به عنوان کارگر، چه در خانه و به صورت خود اشتغالی و فامیلی و خواه در سطح خیابانها و معابر و میادین شهر. این نتیجه به عنوان مبنایی برای تجدیدنظر در تعریف کار در نزد نهادها و سازمانهای متولی امر اشتغال می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

جدول (۴) فراوانی افراد در مشاغل مختلف و متوسط ساعات کار در هر گروه شغلی متنوع و آهسته

ردیف	گروه سنی	درصد از کل	فراوانی	تعداد افراد بومی	درصد افراد بومی
۱	کمتر و مساوی ۲۰	٪۸	۲۸	۱۸	٪۶۴
۲	بین ۲۰ و ۳۰	٪۲۵	۹۳	۴۷	٪۵۰
۳	بین ۳۰ و ۴۰	٪۲۹	۱۰۷	۴۳	٪۴۰
۴	بین ۴۰ و ۵۰	٪۱۶	۵۸	۲۴	٪۲۹
۵	بیشتر از ۵۰	٪۲۲	۷۹	۲۳	٪۲۹

* حداقل سن ۱۲ ساله و حداکثر سن ۹۰ سال بوده است
منبع: استخراج شده از پرسشنامه ها

در حدود ۶۵٪ افراد تمایل خود را به داشتن یک شغل منظم در بخش رسمی اقتصاد و تحت کنترل یک سازمان دولتی یا خصوصی ابراز داشته و دلایل علاقه آنها به مشاغل رسمی عمدتاً عبارت است از: داشتن درآمد ثابت، وجود مزایای بیمه و بازنشستگی، شرایط سخت کار فعلی و اعتبار اجتماعی مشاغل رسمی، که البته دلیل اول و دوم از معقولیت بیشتری برخوردار بوده است. در حدود ۳۵٪ بقیه افراد هم که از شغل خودشان راضی بوده اند عنوان می کنند که آزادی از نظر زمان و مکان کاری، مهمترین مسأله در احساس رضایت از شغلشان است و در عین حال به دلیل بی سوادی و نداشتن تخصص لازم نیز از یافتن شغل مناسب ناامید شده و به وضعیت موجود راضی اند. مضافاً این که از وضعیت درآمدی نسبتاً خوبی برخوردارند.

جدول (۵) ترکیب افراد از نظر سطح سواد

ردیف	مقطع تحصیلی	فراوانی	درصد
۱	بی سواد	۸۶	۲۴
۲	خواندن و نوشتن	۱۵	۴
۳	سواد نهضت	۱۶	۴/۴
۴	پایین تر از دیپلم	۱۷۰	۴۶/۵
۵	دیپلم و فوق دیپلم	۷۲	۱۹/۷
۶	لیسانس	۶	۱/۴

منبع: استخراج شده از پرسشنامه ها

در رابطه با آخرین سؤال یعنی تشکیل صنف و اتحادیه، ۶۱٪ تمایل خود را به ایجاد صنف و اتحادیه و نظم بخشیدن به فعالیت هایشان را ابراز کردند، زیرا به نظر آنها با تشکیل اتحادیه های شغلی می توان از حمایت های صنف و دولت و دیگر نهادها و سازمانها برخوردار شد و محدودیت ها و موانع شهرداری نیز به حداقل ممکن می رسد. به علاوه اتحادیه ها می توانند با منظم کردن ساعات و مکان کاری، تعیین قیمت مناسب برای همگان و ایجاد امنیت شغلی، نقش موثری را در حمایت و پشتیبانی از آنها ایفا کنند. ۷۹٪ از این افراد، اتحادیه ها و اصناف با کنترل و نظارت دولتی و به صورت تعاونی با کمک خود اعضا را پیشنهاد می کنند. تمایل ۱۲٪ به اتحادیه های با کنترل و مدیریت بخش خصوصی، نشانه ناتوانی بخش خصوصی در حل مشکلاتشان از نظر آنهاست. ۳۹٪ بقیه نیز به این دلیل که ایجاد اتحادیه های شغلی مخارج اضافه ای را بر دوش آنها تحمیل خواهد کرد و آزادی فعالیت آنها را محدود خواهد کرد، تمایلی به شرکت در این گونه تشکلهای ندارند، به علاوه به عقیده آنها مقررات و محدودیت های اتحادیه ها و اصناف مزید بر علت شده و مشکلات آنها و محدودیت هایشان را بیشتر خواهد کرد. به ویژه این که تجربه در مورد مشاغل دارای مجوز ثابت کرده که اعضای متعدد و پراکنده این اتحادیه ها نقشی در تعیین هیأت مدیره، مدیر عامل و تصمیم گیرندگان اتحادیه ندارند و کمتر منافع آنها مورد توجه قرار می گیرد. لازم به ذکر است افرادی که تمایل به تشکیل اتحادیه دارند نیز به این نکته و حل آن اذعان کرده اند.

۴. نتیجه گیری و پیشنهادها

نتایج حاصل از این تحقیق را می توان در چهار مورد کلی زیر خلاصه کرد:

- ۱- عمده شاغلان در این بخش در گروه های سنی بالا متمرکز شده اند (۶۷٪ بالای ۳۰ سال سن و ۳۸٪ بالای ۴۰ سال سن می باشند).
- ۲- اکثر قریب به اتفاق شاغلان در این بخش یا بی سوادند (۲۴٪) و یا از سواد بسیار اندکی برخوردارند (۷۹٪).
- ۳- اکثر شاغلان این فعالیتها تخصص و مهارت کافی برای پرداختن به مشاغل دیگر را ندارند.
- ۴- عمده شاغلان در این بخش به خصوص افراد بالای ۴۰ سال سن افرادی هستند که از مناطق دیگر به شهر مشهد مهاجرت کرده اند (حدود ۶۱٪ افراد غیر بومی هستند).

با توجه به نتایج حاصله، امکان برخورد فیزیکی و حذف این مشاغل و جذب آنها در فعالیتهای بخش رسمی اقتصاد که به نیروی انسانی با سواد و ماهر در سن مناسب نیازمند است، وجود ندارد. به عبارتی

دیگر شرایط فعلی یک جزء جدایی ناپذیر از چهره اقتصاد استان و اجتناب ناپذیر است و حلقه فیزیکی آن نه تنها میسر نیست بلکه فشارهای اقتصادی - سیاسی و اجتماعی گسترده ای را نیز به دنبال خواهد داشت. تجربه دیگر کشورها نیز نشان داده است که آنها با این پدیده به گونه ای مسالمت آمیز مواجه شده اند و در جهت تقویت و حمایت آن اقدام کرده اند و با قانونمند کردن، آن را به سمت رسمی شدن سوق داده اند و تا حدودی فشارهای مازاد عرضه نیروی کار را از این طریق خنثی نموده اند. لذا با توجه به نتایج حاصله دولت باید در راستای رسیدن به اهداف سیاست گذاری، مالیاتی، رعایت استانداردها، تأمین اجتماعی و غیره و کاهش عوارض منفی آن، این بخش را به شکلی مطلوب سازمان دهی کند.

منابع و مأخذ:

- ۱- اعظم بیگی، علی، جایگاه بخش غیررسمی در ایران، مجله برنامه بودجه، سال دوم، شماره های ۱۹ و ۲۰، ۱۳۷۶
- ۲- امیر احمدی، بهرام، (۱۳۷۲). فعالیت اقتصادی خانوار. گزیده مطالب آماری، دوره ۹ شماره ۳۴
- ۳- بابا حیدری، ساغر، (۱۳۸۰). بررسی اندازه و عوامل موثر بر اشتغال در بخش غیررسمی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد
- ۴- جمشیدی، رمضان، (۱۳۷۸). شناسایی، طبقه بندی و اهمیت اقتصاد غیررسمی در ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۲.
- ۵- جمعه پور، محمود، (۱۳۸۰). مشاغل غیررسمی به عنوان یک مسأله شهری و ابعاد اجتماعی و اقتصادی آن، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۵ و ۱۶ سال ۱۳۸۰
- ۶- جی توماس و همکاران، ترجمه منوچهر نوریبخش و کامران سپهری، اقتصاد غیررسمی، موسسه تحقیقات پولی و بانکی، سال ۱۳۷۶
- ۷- خورشیدی، غلامحسین، اقتصاد پنهان بخش غیررسمی، مجله تعاون، شماره ۷۰، سال ۱۳۷۶
- ۸- سکاران، اوما، ترجمه محمد صائبی و محمود شیرازی، روشهای تحقیق در مدیریت، مرکز مدیریت آموزش دولتی، ۱۳۸۰.
- ۹- سی سیتو، وینچنزو... ترجمه کامران سپهری، اندازه گیری اقتصاد پنهان، مجله روند، دوره ۱۴، شماره ۱۲ و ۱۳، ۱۳۷۲

- ۱۰ - شکیبایی - صادقی، علیرضا- حسین، (۱۳۸۲). مدل سازی اقتصاد زیرزمینی با روش منطق فازی، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۲.
- ۱۱ - طیب، علیرضا؛ تامین اجتماعی برای کارگران بخش غیر رسمی، فصلنامه تامین اجتماعی، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۸
- ۱۲- توسعه مشکل اقتصادی غیر رسمی و پول شویی، مجله بورس، شماره ۱۴، ۱۳۷۷
- ۱۳- محمدی، داوود، (۱۳۷۶). نگاهی به بخش پنهان اقتصاد غیر رسمی. مجله میهن شماره ۲۳
- ۱۴- عرف نیا، خجسته، (۱۳۷۴). اقتصاد غیر رسمی واقعیت ناشناخته ای در طرح مسائل زنان روستائی. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ویژه نامه بهار
- ۱۵ - عرب مازار یزدی، علی؛ (۱۳۸۰). اقتصاد سیاه در ایران: اندازه، علل و آثار آن در سه دهه اخیر. مجله برنامه و بودجه، سال ششم، شماره ۶۲ و ۶۳
- ۱۶- نایب، سعید، (۱۳۸۰). بررسی ساختار بازار کار غیر رسمی ایران، مجموعه مقالات اولین همایش دوسالانه اقتصاد ایران، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- ۱۷ - آمارنامه ها و نتایج آمارگیری مختلف استان خراسان

18- Allal Moise, 1995, "The ILO Approach and Programms for Productivity Improvement in the Informal Sector" Paper presented to the Seminar on Productivity Improvement in Informal Sector, Asian Productivity Organization, Lahore, 4-8 December, 1995

19 - APO Report, 1995a, "Strategists for Developing the Informal Sector"

20 - APO Report, 1995b, "Productivity Improvement in Informal Sector"

21 - Colin. C. Williams, 1998, "Informal Employment in the Advanced Economies" Routledge Publisher, London

22- David Simon, 1992, "Formalizing the Informal Sector in a Changing South Africa" World Development, Vol 20. No 7

23- John Cross, "The Political Economy of Formalization of Informal Sector" [www.openair.org/cross/ Informal Cyberspace](http://www.openair.org/cross/Informal%20Cyberspace), Stanford University

Press, www.arizona.edu/~openair/cross/vendthn.html

24 - John Cross, 1995 "Formalizing the Informal Economy: Street Vendors in Mexico City," American Sociological Association. Washington, D.C.

25 -John Cross, 1996, "Informal Leverage and Informal Subsidies" Office of Graduate Studies and Research, The American University in Cairo.

26- John Cross, 1997a "The Formalization of Street Vending in Mexico City" Informal Cyberspace, Stanford University Press, www.arizona.edu/openair/cross/vendthn.html

27- John Cross, 1997b "Developing the Informal Economy" www.openair.org/cross/

28- John Cross, 1997c "Measuring Independence and Dependence in the Informal Economy" International Journal of Sociology and Social Planning, Vol 17,

29- Hart, Keit, (1973), " Informal Income Opportunities and Urban Employment in Ghana, The Journal of Modern African Studies, Vol. 11, No. 1 (Mar., 1973), pp. 61-89

30- Prabhu Ghate, 1992, "Informal Finance" Asian Development Bank Report

31 - Ray Bromley, 1987a, "The Urban Informal Sector: Why is the Worth Discussing?" World Development, Vol 6

32- Ray Bromley, 1987b, "Organization, Regulation and Exploitation in the Urban Informal Sector", World Development, Vol 6

33- Ricardo. A. Layos, 1995, "Formalizing the Informal Sector: Barriers and Costs" Development and Change, Vol 26, No 1

34 - Yap Lorene, (1976). "Rural-Urban Migration and Urban Underemployment in Brazil," www.SID.ir

Journal of Development Economics, No. 3 (September 1976): 227-43